



بحار صوت

نص اقتصاد را در دست بگیرید

ماموریت مسئولان:

- ضرورت تقویت امید و اعتماد عمومی
- پرهیز از اقدامات ایجادکننده بدبینی و سرخوردگی
- نقش مهم مسئولان در حفظ انسجام اجتماعی
- حمایت از مردم در برابر جنگ روانی دشمن

نقش مسئولان در پشتیبانی از این امور بسیار مهم است. هرگونه اقدامی که موجب بدبینی و سرخوردگی آحاد مردم شود، نوعی کمک به دشمن این کشور و مردمانش محسوب می‌گردد

دشمن کید خود را در جنگ ترکیبی برد و نقطه متمرکز ساخته است: یکی تاب‌آوری مردم؛ دیگری ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور

دشمن چه در نبرد نظامی و چه در میدان و خیابان، تحقیری پرمعنا و عمیق را تجربه می‌کند

۱۲ رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت عید غدیر و سی و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) و سالگرد آغاز رهبری حضرت آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای، تصریح کردند:

دو هدف دشمن: ۸ تاب‌آوری مردم و ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان

گزارش روزنامه اعتماد: قیمت دارو بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافته است
۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۵، ۱۶:۱۵ (۱۰ کی‌برونج)

بخش نسخه شنبه‌ای

موساد فارسی

رسانه بانک مرکزی در گزارشی، روزنامه اعتماد را همسوی اسرائیل خوانده است

ایران اینترنشنال - خبر فید - @IranIntbrk

روزنامه اعتماد در گزارشی نوشت محدود شدن امکان اختصاص یارانه از سوی دولت به تولید و عرضه دارو، منجر به افزایش ۳۰ تا ۳۰۰ درصدی قیمت دارو شده است

۴۰۹ Views



درباره اینکه کاهش ارزش پول ملی و کمبود ارز سبب گرانی شدید دارو شده، مورد غضب بانک مرکزی قرار گرفته تا حدی که بانک مرکزی دولت پزشکان، روزنامه رئیس شورای اطلاع‌رسانی همین دولت را هم‌دست اسرائیل قلمداد کرده است.

۱۳ ادعای رسانه بانک مرکزی:

روزنامه اعتماد هم‌دست اسرائیل است! چون از بانک مرکزی انتقاد کرد!

رسانه رسمی بانک مرکزی در گزارشی با حمله به منتقدان بانک مرکزی از جمله روزنامه اعتماد، این روزنامه را هم‌دست اسرائیل معرفی کرد. روزنامه اعتماد متعلق به الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت پزشکان است. روزنامه اعتماد به علت انتشار گزارشی در ۱۹ اردیبهشت ماه امسال

رئیس کل بانک مرکزی:

نتایج مثبت یکپارچه‌سازی نرخ ارز به مرور زمان خود را نشان خواهد داد

شاخص	قبل از تکنرخی کردن ارز	آخرین آمار
نرخ تورم نقطه به نقطه کل کالاهای مصرفی	۵۲.۶ درصد	۸۳.۹ درصد
تورم مواد غذایی	۷۲ درصد	۱۳۰ درصد
قیمت دلار در بازار آزاد	۱۲۲۹۰۰ تومان	۱۷۴۰۰۰ تومان

۱۴ وعده همتی برای ثبات ارزی چه شد؟

عبدالنصر همتی، رئیس بانک مرکزی دولت پزشکان، ۹ بهمن ۱۴۰۴ در نشست با اعضای مجمع کارآفرینان ایران با تأکید بر هماهنگی میان سیاست‌های ارزی و تجاری درباره اقدام دولت در حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی ادعا کرد نتایج مثبت «یکپارچه‌سازی» نرخ ارز به مرور زمان خود را نشان خواهد داد. اکنون ۴ ماه از آن وعده گذشت و همتی همچنان منتظر است نتایج مثبت یکپارچه‌سازی نرخ ارز به مرور زمان خود را نشان بدهد. اکنون با گذشت ۵ ماه از آن اقدام دولت، آنچه نصیب مردم شده ثبات بالاترین تورم پس از انقلاب و افزایش حدوداً ۵۰ هزار تومانی نرخ ارز بوده است.



حین حمله به ساختمان‌های مسکونی در منطقه غرب تهران، یک پرچم ایران در میان آوارهای آوارگ‌ها دیده می‌شود.

سه شرط بازگشت خانواده‌های آسیب‌دیده جنگ رمضان به زندگی عادی

حسین جعفری حقوق‌کارشناس مسکن و شهرسازی، در برنامه میز اقتصاد شبکه خبر با تأکید بر اینکه بازگشت خانواده‌های آسیب‌دیده از جنگ رمضان فقط با تعمیر واحدهای مسکونی محقق نمی‌شود، سه اقدام «ایجاد پنجره واحد مدیریت خسارت‌ها»، «تأمین ودیعه اسکان موقت» و «جبران خسارت‌اثاثیه از طریق اعتبار خرید هدفمند» را ضروری دانست. به گفته وی، از میان حدود ۱۲۰ هزار خانواده آسیب‌دیده، نزدیک به ۵هزار خانواده نیازمند اسکان موقت هستند، حدود ۴۰هزار خانواده با خسارت به اثاثیه مواجه شده‌اند، ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ واحد نیازمند تخریب ونوسازی کامل و ۸۰۰۰ تا ۸۵۰۰ واحد نیازمند مقاوم‌سازی هستند. او تأکید کرد نبود فرماندهی واحد در ثبت، ارزیابی، پیگیری و پرداخت خسارت‌ها می‌تواند روند بازسازی را مختل کند و نارضایتی اجتماعی را افزایش دهد. یکی از اقدامات مؤثر دولت، طراحی بسته جامع جبران خسارت واحدهای آسیب‌دیده در جنگ است. حسین جعفری حقوق‌کارشناس سباسبندگی مسکن، در برنامه تلویزیونی میز اقتصاد شبکه خبر، ضمن تشریح ابعاد این موضوع و اشاره به اقدامات انجام‌شده از سوی دولت، شهرداری‌ها، نیروهای اجرائی و گروه‌های جهادی، به بیان چالش‌های احتمالی و راهکارهای رفع آن برای افزایش تاب‌آوری جامعه و بازگشت سریع خانواده‌های آسیب‌دیده به زندگی عادی پرداخت. وی افزود: بازگشت خانواده‌ها به زندگی عادی تنها با تعمیر واحدهای مسکونی محقق نمی‌شود و خانواده‌هایی که خانه آن‌ها آسیب دیده است، با چالش‌هایی همچون اسکان موقت، آسیب به اثاثیه، ابهام در روند رسیدگی به پرونده‌ها و نگرانی نسبت به زمان پرداخت خسارت‌ها مواجه هستند. بر اساس برآوردهای موجود، حدود ۴۰ درصد خسارت‌ها ناشی از جنگ رمضان در تهران رخ داده است و در این میان اقدامات شهرداری تهران و سایر دستگاه‌های مسئول برای رسیدگی به آسیب‌دیدگان قابل تقدیر است، اما همچنان نیاز به تکمیل سازوکارهای حمایتی وجود دارد.

نیود فرماندهی واحد در جبران خسارت‌ها:مانعی برسر راه بازسازی است
حسین جعفری در ادامه با اشاره به چالش‌ها می‌گوید در روند جبران خسارت‌ها گفت: یکی از مهم‌ترین مشکلات، نبود یک فرماندهی واحد برای ثبت، ارزیابی، پیگیری و پرداخت خسارت‌هاست. در شرایط فعلی خانواده‌های آسیب‌دیده با مسیرهای متعدد مراجعه مواجه هستند و نبود یکسختونی متمرکز و شفافیت در روند رسیدگی به پرونده‌ها موجب افزایش نارضایتی اجتماعی شده است. یکبارگی نبودن اطلاعات باعث می‌شود سباسبندگان از نیز تصویر دقیقی از وضعیت مناطق آسیب‌دیده، خانوارهای نیازمند اسکان موقت و میزان خسارت‌های پرداخت‌شده نداشته باشند. به همین دلیل طراحی یک سازوکار واحد برای مدیریت پرونده‌ها ضروری است.

اسکان موقت بازسازی واحدهای آسیب‌دیده:سه محور اصلی تأمین مالی خسارت‌ها
وی با بیان اینکه مهم‌ترین چالش بازسازی پیس از جنگ، تأمین مالی خسارت‌هاست، اظهار داشت: این مسئله در سه بخش اسکان موقت، جبران خسارت‌اثاثیه و بازسازی واحدهای مسکونی قابل بررسی است. بر اساس برآوردهای اولیه، از میان حدود ۱۲۰هزار خانوار آسیب‌دیده، نزدیک به ۵هزار خانوار نیازمند اسکان موقت هستند و هنوز بخشی از این خانواده‌ها در هتل‌ها و اقامتگاه‌های اضطراری سکونت دارند. بنابراین مسئله ودیعه مسکن این خانوارها باید در اولویت قرار گیرد؛ زیرا تأخیر در حل این موضوع می‌تواند مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعددی برای خانواده‌ها ایجاد کند. جعفری همچنین با اشاره به خسارت‌های وارنده به وسایل زندگی خانوارها گفت: حدود ۴۰ هزار خانواده با آسیب به اثاثیه و لوازم ضروری زندگی مواجه شده‌اند و این موضوع نباید در حاشیه قرار گیرد. برای بسیاری از خانواده‌ها، تأمین مجدد اقلام ضروری شرط اصلی بازگشت به زندگی عادی است. این کارشناس مسکن و شهرسازی، از بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت واحدهای مسکونی آسیب‌دیده اشاره کرد و گفت: برآوردها نشان می‌دهد حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ واحد نیازمند تخریب ونوسازی کامل هستند و حدود ۸۰۰۰ تا ۸۵۰۰ واحد نیز باید مقاوم‌سازی شوند.

ضرورت ایجاد پنجره واحد برای مدیریت و جبران خسارت‌ها
حسین جعفری با اشاره به پیشنهاد‌های ارائه‌شده از سوی گروه مسکن و شهرسازی اندیشکده اقتصاد مقاومتی گفت: نخستین پیشنهاد، ایجاد پنجره واحد ثبت، ارزیابی، پیگیری و پرداخت خسارت‌ها ذیل وزارت کشور و با محوریت ستاد مدیریت بحران است. در این سازوکار می‌بایست استانداردهای، شهرداری‌ها، بنیاد مسکن، بانک‌ها و سایر دستگاه‌های مرتبط به صورت هماهنگ فعالیت کنند تا خانواده‌های آسیب‌دیده مجبور به مراجعه به نهادهای متعدد نباشند. همچنین پنجره واحد علاوه بر تسهیل امور مردم، امکان رصد دقیق وضعیت پرونده‌ها و اولویت‌بندی منابع را برای دولت فراهم می‌کند.

منابع جبران خسارت آسیب‌دیدگان از چه مسیرهایی تأمین می‌شود؟
این کارشناس مسکن و شهرسازی در ادامه به راهکارهای تأمین مالی اسکان موقت اشاره کرد و گفت: یکی از پیشنهاد‌های مطرح، تخصیص خط اعتباری قرض الحسنه حداکثر دوساله از محل سهم شهرداری‌ها از درآمد مالیات بر ارزش افزوده است. این روش می‌تواند بدون نیاز به خلق نقدینگی جدید، بخشی از مشکل اسکان موقت خانواده‌های آسیب‌دیده را برطرف کند. پرداخت این منابع باید به صورت هدفمند و قابل رهگیری انجام شود تا ضمن کاهش فشار مالی بر خانوارها، از انحراف منابع نیز جلوگیری شود. جعفری در بخش دیگری از سخنان خود به نحوه جبران خسارت‌اثاثیه خانوارها پرداخت و گفت: پرداخت نقدی مستقیم تنها راهکار موجود نیست و می‌توان از ابزارهای اعتبار خرید هدفمند استفاده کرد. استفاده از کارت‌های رفاهی متصل به اوراق گام یا سایر ابزارهای مشابه می‌تواند امکان خرید کالاهای ضروری را برای خانواده‌های آسیب‌دیده فراهم کند. این روش علاوه بر حمایت از خانوارها، به تقویت تولید داخلی نیز کمک می‌کند و امکان رهگیری مصرف منابع را فراهم می‌سازد. در این الگو باید فهرست مشخصی از کالاهای ضروری و همچنین شبکه فروشندگان و تولیدکنندگان مورد تأیید تعریف شود تا منابع حمایتی دقیقاً در مسیر رفع نیازهای خانوارها هزینه شود.

چگونه زندگی خانواده‌های آسیب‌دیده به شرایط عادی بازمی‌گردد؟

حسین جعفری در جمع بندی مباحث مطرح‌شده تأکید کرد: بازسازی واحدهای آسیب‌دیده جنگ رمضان تنها یک طرح عمرانی نیست، بلکه ایجاد اجتماعی، مالی و مدیریتی مستردهای دارد. اگر خانواده‌های آسیب‌دیده از وضعیت پرونده خود اطلاع نداشته باشند، مشکل اسکان موقت آن‌ها حل نشود یا امکان تأمین مجدد وسایل ضروری زندگی را نداشته باشند، صرف تعمیر ساختمان نمی‌تواند آن‌ها را به شرایط عادی بازگرداند. ایجاد پنجره واحد مدیریت خسارت‌ها، تأمین ودیعه اسکان موقت بدون خلق نقدینگی جدید و جبران خسارت‌اثاثیه از طریق اعتبار خرید هدفمند، سه اقدام عملی است که می‌تواند روند بازسازی را تسریع کرده و رضایت خانواده‌های آسیب‌دیده را افزایش دهد.



رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت عید غدیر و سی و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) و سالگرد آغاز رهبری حضرت آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای، تصریح کردند:

دو هدف دشمن: تاب‌آوری مردم و ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان

گزارش

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت عید سعید غدیر، سی و هفتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمة‌الله و سالگرد آغاز رهبری حضرت آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای علیه‌السلام، ضمن تبریک عبد‌الله لاکر به‌عنوان مسلمانان سراسر جهان، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را سودی اعلی‌والکبری و جامع برای آحاد مسلمین خواندند و سند افتخار زندگی امامین انقلاب اسلامی را افتد به آن حضرت دانستند.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به قیام‌لله به‌عنوان زیربنای مکتب امام خمینی رحمة‌الله و پرانگیزگی ملت ایران در دوران خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشأن شهید از خرداد ۱۳۴۲ تا بعثت تازه در سه ماه اخیر تأکید کردند: دشمن خبیث، حال که در مصاف با فرزندان دلاور شما در نیروهای مسلح دچار شکست شده و بخصوص بخاطر مواجهه با ضربه‌ی قاطع، چه در نبرد نظامی و چه در میدان و خیابان، تحقیری پرمعنا و عمیق را تجربه می‌کند که در اثر آن واکرایی ملموس کشورها را آوارسب شده، زمین خود را در جنگ ترکیبی بر دو نقطه متمرکز ساخته است: یکی تاب‌آوری مردم؛ دیگری ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی که صبح پنجشنبه توسط حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌علی اکبری در حرم مطهر امام خمینی (ره) قرائت شد به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ جَعَلَ كَمَالَ دِیْنِهِ وَتَمَامَ نِعْمَتِهِ بَوْلَایَةِ امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه‌السلام

عید سعید غدیر را به‌همه ی مسلمانان و محبتین پدر اامت اسلام، امیرالمؤمنین علی صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه در ایران و سراسر جهان تبریک میگویم و به روح مطهر حضرت امام خمینی رحمة‌الله علیه سلام و درود می‌فرستم. امسال سی و هفتمین ۱۴ خرداد‌ی است که از فرار خمینی کبیری گذر واولین ۱۴ خرداد‌ی است که پدر مهربان اامت، مرید و یار وفادار و برجسته‌ی مکتب امام، رهبر عظیم‌الشأن شهید انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف میهمان عیضات‌اللهی شده و وطن صدای پرصلابت و کلام حکیمانه و نافذش در مرقد مطهر امام شنیده نمی‌شود. اما مجموعه‌ی بیانات و مکتوبات ده‌سالی بنیانگذار جمهوری اسلامی و سی‌وشش سال‌ه رهبر عظیم‌الشأن شهید، گنجینه‌ی ارزشمند و

بی‌بدیلی برای همه‌ی ما و چراغ راه مسیر آینده است.

اولاً امروز عید غدیر است و عبد‌الله لاکر؛ روز عهد معهود و میثاق

مأخوذ که خداوند در آن تکلیف مدیریت جامعه و نظام اسلامی را مشخص فرموده و اکمال‌دین و انعام‌نعمت را با ولایت و امامت مستمزم حضرتان معصومین صلوات‌الله‌علیهم‌جامعین صورت داده است.

غدیر یادآور کسی است که هر لحظه‌از عمر شریفش از ابتدای ولادت در کعبه تا رسیدن به فوز شهادت، برای خدا و در راه خدا بود.

اساس آن حضرت پس از وجود مکرم رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و به‌همه ی دوران‌های زندگی و برای آحاد مسلمین و مؤمنین، اسودی اعلی‌والکبری جامع محسوب می‌شوند، و شایسته‌وایسته‌آن است که از طفل خردسال تا کنهسالان و از افراد عادی جامعه تا نخبگان و رهبران به‌آن حضرت اقتدا کنند؛ همچنان که سند افتخار زندگی امامین انقلاب نیز همین تأسی به‌آن بزرگوار بوده است.

ثانیاً امروز سالگرد رحلت امام اامت رحمة‌الله‌علیه‌و فرسنتی ارزشمند برای تفکر و گفت‌وگو پیرامون این شخصیت‌مشهور، اما کمترشناخته شده است. شخصیتی پرجاذبه که درک و شناخت عمیق‌از راه و هدف نورانی‌اش، چراغ راه آینده‌ی ایران اسلامی است؛ اما بسیاری از آحادملت و در سنین جوانی هستند، توفیق درک مستقیم ایشان نداشته‌اند و حتی بسیاری از آنان‌ی که دوران حیات ایشان را درک کرده‌اند، کمتر به عمق شخصیت و خط امام رسیده‌اند.

قالَ اللهُ تَعَالٰی قُلْ اِنَّمَا عَزَمْتُكُم بِوَاحِدَةٍ تَقْوَمُواللهُ مَثْنٰی وَفَرَادٰی، خداوند تبارک و تعالی در این آیهی شریفه خطاب به رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: به اامت بگویم شما تنها به یک امر موعظه می‌کنم که برای خدا دو نفر دوفر یا هر یک به تنهایی بباخیزید. این کریمه، مطلق اولین پیام و یکی از قدیمی‌ترین اسنادی است که شخصیت بی‌بدیل عبد‌صالح و روح بزرگ ضرور زمان ما، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، در آن، ملت ایران را قیام‌برای خدا دعوت کرده است.

آری قیام‌لله، زیربنای مکتب امام است و از جمله مهم‌ترین آثار و برکات وجودی ایشان، هدایت و تربیت و تأثیرشگرف بر جامعه بر اساس همین مبنا می‌باشد. همین حرکت الهی، منشأ نزول برکات و توجهات ربوبی و جاری شدن سنت حضرت حق، و حل و علاح در هدایت جامعه به مسیرحق است که و آلدین جاهد و فینا لنهذینهم شیعنا و مگرته این است که مهم‌ترین حرکت‌های فراگیر و پرانگیزگی ملت ایران، در دوران خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشأن شهید و با هدایت مستقیم یا غیرمستقیم ایشان صورت گرفته است؟

کدام نیروی عظیم می‌توانست ملت خواب‌زده و مسحور استکبار و

استعمار را در شرایطی که انسداد و خفقان و وابستگی همه‌جانبه به غرب حاکم بود، در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ بیدار کند؟ کدام قدرت جاذبه می‌توانست میلیون‌نفر را در دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ برای استقبال و در چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ برای بدرقه‌ی امام اامت به خیابان‌ها پکشد؟ و در آخرین نمونه‌ی شگفت‌انگیز، کدام نیروی مستحکم و آزاده‌ی پولادین بود که از سحرگاه هفدهم اسفند ۱۴۰۴ ملت ایران را آن چنان معویت کرد و به میدان آورد که با انگیزه‌ای والا با گذشت بیش از سه ماه کماکان پرحرارت به خوخواهی رهبر شهید خود و سایر شهیدان به‌خون‌خفته و به پاسداشت حریم نظام اسلامی و وطن عزیزشان در میدان حاضر هستند و صفوف چند ده میلیونی جان فدایان را برای تحقق آرمان رهبر شهید و اقامه‌ی حق و قیام‌لله مستحکم کرده‌اند؟ این این خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشأن شهید بودند که از این استعداد و آمادگی را در ملت عزیز ایران کشف و احیاء نمودند و همواره به آن ارز و جزی‌های می‌نهادند. امام بزرگوار که بی‌تردید با تقوی مثال‌زدنی‌اش از آنچه بر قلمش جاری میشد مراقبت میکرد، در وصیتنامه‌ی خود، ادعایی عظیم مطرح فرمود و اینگونه نگاشت که «من با جرأت مدعی می‌باشم که ملت ایران توده‌ی میلیونی آن در عصر حاضر، شخصیت فولادین و دلی مطمئن و زبان ذوالفقارگونه‌ی امام بزرگوار و خمینی عظیم بود که توانست میلیون‌ها انسان را وارد میدان کند، در میدان نکه دارو

و توجهات حرکتی را به آنها تعلیم بدد.

و صد البته نمونه‌ی دیگری این قسم تأثیر، از آن خود خامنه‌ای عزیز است که قدم در مسیر سلف صالح خود گذاشت و قریب به چهار دهه رهبری انقلاب و نظام اسلامی، با اعتماد به جوانان و تعمیق و ارتقاء سطح بینش و نگرش مردم، جامعه را به چنان سطحی از آمادگی رساند که پس از واقعه‌ی عظیم شهادتش، نصابی تازه از بعثت ملت ایران شکل گرفت. آری مکتب خامنه‌ای عزیز، همان مکتب خمینی کبیر در امتداد اسلام ناب محمّدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که زیربنای آن قیام‌لله است و شاگردان این مکتب، صف در صف آماده‌ی اقامه‌ی حق، ازآله‌ی باطل و مجاهده در این مسیر نورانی هستند. امام رحمة‌الله‌علیه‌بدیدار زندگی تحولی بزرگ و تاریخی در سطح مقام‌الشریف و به تعمیق و گسترش و استمرار آن پرداخته و برای تکامل و تحقق آن، نظام‌سازی و جامعه‌پردازی نمود. در همین راستا حضرت ایشان علاوه بر زنده نگه‌داشتن مکتب امام در کلام و قلم و عمل و در دیدارهای گوناگون خود، چهاردهم خرداد را به فرصت میثاقی سالبانه‌ی ملت با امام خمینی تبدیل کرده و منظومه‌ای از اصول، سیاست‌ها و خطوط مکتب امام را تشریح و تبیین می‌فرمود. از جمله بعضی آموزه‌های احیائاً تکرار شونده‌ی آن، این بود که ملت ایران، ملتی مؤمن، باهوش و شجاع است؛ و اینکه مردم، صاحبان اصلی کشور و منشأ قدرت آن هستند؛ و اینکه این مردم هر تحول صحیحی را که دنبال کنند می‌توانند رقم‌زنند و شعار «ما می‌توانیم» را در عرصه‌های مختلف عینیت‌بخشند. از دیگر آن آموزه‌ها، لزوم حمایت از مظلوم به‌عنوان وظیفه‌ی اسلامی، انسانی و ایرانی است. و اینکه نظام سلطه و در رأس آن آمریکا با این ملت و هویت ممتاز، و تسلیف‌ناپذیریش مشکل دارد.

آری نظام سلطه که یادگانی به نام اسرائیل را که از قریب هشتاد سال قبل ساخته، جود یک ایران قوی و مستقل و برخوردار از انواع مزایا را در مرز شرقی جغرافیای پوچ و دروغین اسرائیل بزرگ یعنی شرق فرات نمی‌پذیرد و از هر اقدامی در جهت جلوگیری از پیشرفت آن کوتاهی نمی‌کند.

در همین مجال به ملت عزیز عرض میکنم دشمن خبیث، حال که در مصاف با فرزندان دلاور شما در نیروهای مسلح دچار شکست شده و بخصوص بخاطر مواجهه با ضربه‌ی قاطع، چه در نبرد نظامی و چه در میدان و خیابان، تحقیری پرمعنا و عمیق را تجربه می‌کند که در اثر آن واکرایی ملموس کشورها را آوارسب شده، کید خود را در جنگ ترکیبی بر دو نقطه متمرکز ساخته است: یکی تاب‌آوری مردم؛ دیگری ایجاد خطا در دستگاه محاسباتی مسئولان کشور.

بدر اصل او در این هر دو، کاشت بذر تردید، یاس، ترس، بدگمانی، و اختلاف است. لذا در مقام مقابله با این بد خواهی‌ها باید همگان با ایستادگی و روشن بینی و حفظ وحدت و انسجام و اعتماد متقابل و همصدایی نکردن با دشمن، نقشه‌ی شوم او را خنثی نمایند. در این مقام، نقش مسئولان در پشتیبانی از این امور بسیار مهم است. هرگونه اقدامی که موجب بدبینی و سرخوردگی آحاد مردم شود، نوعی کمک به دشمن این کشور و مردمانش محسوب میگردد.

اکنون فرصت تازه‌ای برای معرفی عملی و تحقق بخشیدن به مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز شهید به‌عنوان رهبران مظلوم افکار مقتدر و البتة پیروز انقلاب اسلامی در سراسر جهان فراهم شده است. این نقش مهم پرمعنه‌ی آحاد ملت خصوصاً جوانان، نخبگان و اهالی فکر و اندیشه و هنر است تا بر اساس همین مکتب با اعتماد به وعده‌های خداوند، در سایه‌ی توجهات سرورمان بخل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف و در مسیر اسلام ناب یعنی خط نورانی ترسیم شده در دوران دویست‌وپنج‌ساله‌ی حضور صاحبان عجمت و ولایت جبرئیل صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌جامعین، آینده‌ی درخشان ایران عزیز را بسازند.

از خداوند قادر متعال مسئلت میکنم این ملت بعثت یافته را به پیروزی بفرستد، و قله‌های باشکوه پیشرفت و عظمت، و نائل و روح ملکوتی امامین انقلاب و ارواح مطهر شهیدان انقلاب اسلامی خصوصاً شهدای دفاع مقدس دوّم و سوّم را بولایشان حضرت امیرالمؤمنین علی صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه‌م مشحور و قلب مقدّس و نورانی سرورمان حضرت ولی‌عمر را از ملت ایران راضی و این ملت عزیز و خادمشد رابهرصند از ادعایی مخاسن و شاعت آن حضرت فرماید، بمئه و کرمه و السلام و علیکم ورحمة‌الله و برکاته. سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۱۴ خرداد۱۴۰۵

آری نظام سلطه که

پادگانی به نام اسرائیل را

که از قریب هشتاد سال

قبل ساخته، و جود یک

ایران قوی و مستقل و

برخوردار از انواع مزایا را

در مرز شرقی جغرافیای

پوچ و دروغین اسرائیل

بزرگ یعنی شرق فرات

نمی‌پذیرد و از هر اقدامی

در جهت جلوگیری از

پیشرفت آن کوتاهی

نمی‌کند

جام جهانی فوتبال؛ دو محاسبه متفاوت درباره جنگ با ایران



و در ۱۶ شهر سه کشور برگزار می‌شود. بخش مهمی از این رویداد در خاک آمریکا انجام خواهد شد و میلیون‌ها هوادار، گردشگر، خبرنگار و مقام رسمی در این بازه وارد فضای رسانه‌ای و امنیتی میزبانان می‌شوند. در چنین وضعیتی، دولت آمریکا نمی‌تواند پیامدهای یک جنگ بزرگ را فقط در قالب محاسبه نظامی ببیند. هر تنش بزرگ در غرب آسیای می‌تواند به نگرانی امنیتی در داخل آمریکا، فشار بر صنعت هواپیمایی، نوسان انرژی، نگرانی بازارها و حتی پریش درباره توان واشنگتن در اداره هم‌زمان بحران و میزبانی جهانی تبدیل شود. از این منظر، جام جهانی نه سپر صلح است و نه تضمین‌کننده پرهیز از جنگ؛ اما هزینه سیاسی و اعتباری جنگ را برای آمریکا بالا می‌برد. این افزایش هزینه برای جام جهانی ۲۰۲۶، نخستین جام جهانی ۴۸ تیم است

هم‌زمانی جام جهانی فوتبال با بحران‌های امنیتی الزاماً مانع جنگ‌افروزی نیست؛ اما اثر این رویداد برای همه بازیگران یکسان نیست. اسرائیل در دهه‌های گذشته نشان داده رویدادهایی مانند جام جهانی را مانع اقدام نظامی نمی‌داند و حتی ممکن است از تمرکز رسانه‌ای جهان بر ورزش برای افزایش عملیات نظامی استفاده کند. آمریکا اما در جام جهانی ۲۰۲۶ یکی از میزبانان اصلی است و ورود به جنگی بزرگ، به‌ویژه با ایران، می‌تواند امنیت داخلی، گردشگری، بازار انرژی، پروازها، اعتبار میزبانی و تصویر جهانی واشنگتن را تحت فشار قرار دهد. جام جهانی فوتبال معمولاً نماد رقابت ورزشی، دیپلماسی عمومی و توجه‌گسترده افکار عمومی جهان است؛ اما این رویداد برای بازیگران امنیتی الزاماً عامل بازدارنده نیست. کشورها ورژیم‌هایی که تصمیم‌های نظامی خود را بر پایه منطق قدرت، فرصت‌عملیاتی و محاسبه هزینه و فایده اتخاذ می‌کنند، لزوماً به تقویم ورزشی جهان وزن تعیین‌کننده نمی‌دهند. با این حال، اثر جام جهانی بر محاسبه جنگ برای همه بازیگران یکسان نیست. تفاوت مهمی میان اسرائیل و آمریکا وجود دارد: تفاوتی که در تحلیل احتمال تشدید تنش با ایران در دوره جام جهانی ۲۰۲۶ باید جدی گرفته شود. اسرائیل در سابقه رفتاری خود نشان داده رویدادهای بزرگ جهانی را مانع جدی اقدام نظامی نمی‌داند. جنگ لبنان در سال ۱۹۸۲ در دوره‌ای آغاز شد که جام جهانی اسپانیا چند روز بعد برگزار شد و عملیات نظامی اسرائیل در لبنان هم‌زمان با این رویداد ادامه یافت. در سال ۲۰۱۴

اسرائیل به اندازه آمریکا معتادان ندارد، زیرا اسرائیل میزبان رویداد نیست و در صورت بروز بحران، بخش مهمی از هزینه جهانی آن به دوش آمریکا و متحدانش می‌افتد. **سناریوی محتمل: عملیات محدود به جنگ گسترده** بر اساس این محاسبه، در دوره جام جهانی باید میان دو سطح از تنش تمکیک کرد. افزایش عملیات اسرائیل در جبهه‌های نزدیک‌تر، از جمله جنوب لبنان، محتمل است؛ زیرا این اقدامات برای تل آویو کم‌هزینه‌تر، ترسناک‌تر و کنترل‌ترواز نظر سیاسی قابل‌توجه‌تر است. اما آغاز جنگ دامنه‌دار با ایران، آن هم در دوره‌ای که آمریکا میزبان یکی از مهم‌ترین رویدادهای جهانی است، با ملاحظات واشنگتن ناسازگارتر است.

این به معنای صفر‌شدن احتمال جنگ نیست. خطای محاسباتی، حمله بزرگ، حادثه غیرقابل کنترل یا فشار داخلی در هر یک از طرف‌های می‌تواند محاسبات را تغییر دهد. اما در حالت عادی، جام جهانی ۲۰۲۶ برای آمریکا یک ترمز نسبی در برابر جنگ بزرگ با ایران است. اسرائیل ممکن است این ترمز را نادیده بگیرد، اما بدون همراهی آمریکا نمی‌تواند جنگی گسترده با ایران را به خود سود مدیریت کند. در نتیجه، جام جهانی فوتبال برای تحلیل امنیت منطقه‌ای، متغیری در محاسبه هزینه جنگ است. اسرائیل سابقه بی‌اعتدالی به چنین متغیری را دارد، اما آمریکا در مقام میزبان، ناچار است وزن بیشتری به آن بدهد. همین تفاوت، احتمال عملیات محدود اسرائیل را بالا می‌برد و احتمال جنگ گسترده با ایران در دوره جام جهانی را محدودتر می‌کند.



افزایش تاب‌آوری اقتصادی با اولویت‌بندی صنایع «ارزآور» در مقابل «ارزبر»

در اقتصادی که با محدودیت منابع ارزی مواجه است، اولویت دادن به صنایع ارزآور فقط یک انتخاب ساده نیست، بلکه ضرورتی برای تثبیت اقتصاد کلان است؛ موفقیت این رویکرد در گرو اجرای دقیق مبتنی بر داده و زمان‌بندی‌شده آن است به‌گونه‌ای که هم به تقویت صادرات منجر شود، هم ثبات بازار ارز را افزایش دهد و هم مسیر توسعه بلندمدت صنایع راهبردی مسدود نشود.

در شرایط امروز اقتصاد کشور، مجموعه اقتصادی دولت و بانک مرکزی ناگزیر از بازنگری در اولویت‌های تخصیص منابع و اعمال سیاست‌های حمایتی هدفمند هستند. این بازنگری باید با تمرکز بر صنایعی انجام شود که در کوتاه‌ترین زمان ممکن با کمترین وابستگی به واردات، توان ایجاد درآمد ارزی دارند. به بیان دیگر سیاست‌گذاری مؤثر مستلزم شناسایی و تقویت بخش‌هایی است که بازده ارزی سریع‌تری ایجاد می‌کنند.

مسئله اصلی صرفاً افزایش تولید نیست بلکه اهمیت در آن است که کدام تولید سریع‌تر به ارز تبدیل می‌شود و کدام بخش فشار کمتری بر منابع ارزی وارد می‌کند. برخی صنایع برای توسعه به واردات گسترده مواد اولیه، تجهیزات یا قطعات نیاز دارند؛ این صنایع اگرچه می‌توانند ارزش افزوده داخلی ایجاد کنند، اما در کوتاه‌مدت فشار مضاعفی بر بازار ارز وارد می‌کنند. در مقابل، صنایعی مانند برخی زیرشاخه‌های پتروشیمی، فولاد، فرش، صنایع نساجی و بخشی از تولیدات صنعتی صادرات‌محور، با اتکا به بازارهای خارجی می‌توانند ارزآوری مؤثرتری داشته باشند.

آمارهای سال ۱۴۰۴ نیز نشان می‌دهد که چالش اصلی اقتصاد ایران صرفاً حجم صادرات نیست، بلکه کیفیت ارزآوری آن است. در این سال، صادرات غیرنفتی حدود ۵۱.۷ میلیارد دلار و واردات حدود ۵۸ میلیارد دلار ثبت شده که نشان‌دهنده تداوم فشار بر تراز تجاری است. این وضعیت بیانگر آن است که برای دستیابی به ثبات ارزی، هدایت هدفمند منابع مالی بیش از پیش اهمیت دارد.

ترکیب صادرات غیرنفتی همچنان متکی بر چند قلم اصلی است؛ محصولاتی نظیر پتروشیمی‌ها، پروپان و بوتان مایع شده، گاز طبیعی، قیرو متانول سهم عمده‌ای از ارزآوری را به خود اختصاص دادند. این تمرکز نشان می‌دهد که پایه صادراتی کشور هنوز به اندازه کافی متنوع نشده است. بنابراین، سیاست‌گذار باید به‌جای حمایت‌های پراکنده، تمرکز خود را بر صنایع با بازده ارزی بالا و ارزبری پایین معطوف کند.

از نظر جغرافیایی نیز صادرات ایران عمدتاً به بازارهای چین، عراق، امارات و ترکیه محدود شده است. این تمرکز در کنار مزایای دسترسی، ریسک‌هایی نیز به همراه دارد؛ چراکه هرگونه تغییر در روابط سیاسی، تجاری یا شرایط لجستیکی این کشورها می‌تواند به سرعت بر درآمد ارزی کشور اثر بگذارد. در نتیجه، تنوع بخشی به بازارهای صادراتی باید هم‌زمان با افزایش صادرات در دستور کار قرار گیرد.

در حوزه تأمین مالی نیز لازم است منابع به سمت فعالیت‌هایی هدایت شوند که بازده ارزی سریع‌تری دارند. صنایعی که بتوانند در بازه زمانی کوتاه صادرات انجام دهند، ارز ایجاد کنند و وابستگی کمتری به واردات داشته باشند، باید در اولویت حمایت قرار گیرند.

در این چارچوب تفکیک میان صنایع ارزآور و ارزبر اهمیت پیدا می‌کند. صنایع ارزآور آن‌هایی هستند که محصولات به‌راحتی در بازارهای خارجی به فروش می‌رسد و درآمد ارزی ایجاد می‌کند، در حالی که صنایع ارزبر برای ادامه فعالیت نیازمند واردات هستند. البته هنوز تقسیم‌بندی مطلق نیست و بسیاری از صنایع به‌طور هم‌زمان هر دو ویژگی را دارند بنابراین معیار تصمیم‌گیری باید اثر خالص ارزی باشد، نه صرفاً عنوان صادراتی بودن.

برای تحقق تأمین مالی هدفمند، شاخص‌های کلیدی همچون «سرعت تبدیل سرمایه‌گذاری به درآمد ارزی»، «نسبت ارزآوری به ارزبری»، «پایداری حضور در بازارهای خارجی»، «میزان اشتغال‌زایی و اثرگذاری در زنجیره ارزش داخلی» و «میزان آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های ارزی و مواد اولیه» باید مدنظر قرار گیرد.

چنانچه سیاست‌های تأمین مالی صرفاً بر مبنای نرخ سود یا اندازه بنگاه‌ها طراحی شود، ممکن است منابع به سمت بخش‌هایی هدایت شود که نقش کمتری در ثبات ارزی دارند. در مقابل، تمرکز بر اثر خالص ارزی می‌تواند تخصیص ابزارهایی مانند سرمایه در گردش، ضمانت‌صادرات، خطوط اعتباری و مشوق‌های بیمه‌ای را کارآمدتر کند. تجربه نیز نشان داده است که در دوره‌های محدودیت ارزی، سیاست‌گذاران برای جلوگیری از آسیب به صادرات، اولویت تأمین

ارزنی صنایع ارزآور را مورد بازنگری قرار داده‌اند. در این حال این رویکرد نباید به غفلت از صنایع نوپا، دانش‌بنیان یا دارای ارزش افزوده بالا در بلندمدت منجر شود. برخی صنایع در نهایت در اقتصادیه با محدودیت منابع ارزی مواجه است، اولویت دادن به صنایع ارزآور تنها یک انتخاب ساده نیست بلکه ضرورتی برای تثبیت اقتصاد کلان به شمار می‌رود. موفقیت این رویکرد در گرو اجرای دقیق مبتنی بر داده و زمان‌بندی‌شده آن است به‌گونه‌ای که هم به تقویت صادرات منجر شود، هم ثبات بازار ارز را افزایش دهد و هم مسیر توسعه بلندمدت صنایع راهبردی مسدود نشود.

امنیت اقتصادی است. در این راستا یک نظام سیاستی چندلایه مانند «حمایت فوری از صنایع با ارزآوری سریع و ارزبری پایین»، «حمایت مشروط از صنایع راهبردی ارزبر، همراه با برنامه کاهش وابستگی»، «هدایت اعتبارات بلندمدت به صنایع با ظرفیت»، «طراحی شاخص رسمی اثر خالص ارزی برای تصمیم‌گیری دقیق‌تر» و «هم‌راستاسازی سیاست‌های صنعتی و ارزی برای ایجاد ثبات پایدار» می‌تواند کارآمد باشد.

در نهایت در اقتصادیه که با محدودیت منابع ارزی مواجه است، اولویت دادن به صنایع ارزآور تنها یک انتخاب ساده نیست بلکه ضرورتی برای تثبیت اقتصاد کلان به شمار می‌رود. موفقیت این رویکرد در گرو اجرای دقیق مبتنی بر داده و زمان‌بندی‌شده آن است به‌گونه‌ای که هم به تقویت صادرات منجر شود، هم ثبات بازار ارز را افزایش دهد و هم مسیر توسعه بلندمدت صنایع راهبردی مسدود نشود.



انقلاب هوش مصنوعی و جنگ موتور اقتصاد اسرائیل را متوقف می‌کند

گزارش

فناوری به عنوان موتور رشد اقتصاد اسرائیل، هم‌زمان تحت فشار انقلاب هوش مصنوعی و جنگ ۲۰ روزه با ایران است؛ موج اخراج‌ها و فرار نخبگان برای اولین بار در یک دهه، آینده استارت‌آپ‌نیشن را تهدید می‌کند.

بخش فناوری اسرائیل که موتور محرک اقتصاد این رژیم محسوب می‌شود، این روزها دو جبهه مورد هجوم قرار گرفته است. از یک‌سو هوش مصنوعی مدل‌های کسب‌وکار سنتی را در هم می‌کوبد و موج بی‌سابقه اخراج را به راه انداخته و از سوی دیگر، جنگ ۴۰ روزه رمضان با ایران و تنش‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاران را فراری داده و متخصصان سطح بالا را مجبور به ترک اسرائیل کرده است. آمارها نشان می‌دهد برای اولین بار در یک دهه اخیر، تعداد محققان و توسعه‌دهندگان در اسرائیل کاهش یافته و شرکت‌های فناوری به دنبال انتقال فعالیت‌های خود به آمریکا و اروپای شرقی هستند. شرکت‌های فناوری اسرائیل در ماه‌های اخیر موج غم‌انگیزی از اخراج کارمندان را تجربه کرده‌اند. شرکت متا حدود ۸ هزار نفر را در سطح جهان اخراج کرده که ده‌ها نفر از آنها در اسرائیل بودند. مایکروسافت برنامه خروج داوطلبانه و اخراج حدود ۷ درصد از کارمندان خود در آمریکا را اجرا کرد. شرکت استنپ نیز حدود ۱۶

درصد از نیروی کار جهانی خود یعنی حدود هزار نفر را کاهش داد. اما این موج به سرعت به شرکت‌های خود اسرائیلی هم رسید. شرکت ویکس ۲۰ درصد از نیروی کار خود یعنی حدود هزار نفر را اخراج کرد که ۹۰۰ نفر از آنها در داخل اسرائیل بودند. شرکت آماداکس حدود ۳ هزار نفر را در سطح جهان اخراج کرده که صدها نفر از آنها در اسرائیل بودند. شرکت رپید که در زمینه فناوری مالی فعالیت می‌کند، صد نفر را اخراج کرد. شرکت A1۲ نیز حدود ۶۰ درصد از نیروی کار خود را کاهش داد. شرکت سنتینل نیز این ده‌ها کارمند محلی خود را اخراج کرد. شرکت‌های فایرپولت، اکسونیوس و نایاکس نیز به لیست اخراج‌ها اضافه شدند.

شرکت‌های آمریکایی ZoomInfo و Shutterfly نیز مرکز توسعه خود در اسرائیل را تعطیل کرده و صدها کارمند را اخراج کردند. تحلیلگران اقتصادی می‌گویند هوش مصنوعی صرفاً یک بهانه است. شرکت‌ها از این فناوری جدید به عنوان دستاویزی برای توجیه اخراج‌های گسترده استفاده می‌کنند، در حالی که دلایل واقعی شامل افزایش ارزش شیکل و کاهش سودآوری است. سم آئتمن مدیرعامل OpenAI هم اعتراف کرده پیش‌بینی‌های قبلی او درباره جایگزینی هوش مصنوعی با مشاغل اغراق‌آمیز بوده است.

فرار مغزها و خروج سرمایه از اسرائیل برای اولین بار در یک دهه هم‌زمان با انقلاب هوش مصنوعی، جنگ ۲۰ روزه اسرائیل با ایران

نقش بریکس در نظم مالی چندقطبی؛ از اغراق تا واقعیت میدان



غیراروپایی و آمریکایی به آن توجه زیادی نشان دادند. زیرا این امر نشان داد که کشورها فارغ از حمایت کردن یا نکردن از تحریم‌ها؛ عمیقاً به نظام مبتنی بر دلار متصل هستند که اعضای آن همیشه اولویت‌های ژئوپلیتیکی یکسانی ندارند.

هند و چین در بخش اقتصادی با هم همکاری دارند، در حالی که از نظر راهبردی با هم رقابت می‌کنند. با موفقیت بین‌المللی روسیه با برزیل یا آفریقای جنوبی بسیار متفاوت است. برخی از اعضای جدیدتر بریکس با وجود حمایت از نظم جهانی طلا و توافق‌های منطقه‌ای متنوع می‌کنند. نظام مالی ایالات متحده دارند.

این نبود یکپارچگی، ارائه جایگزین کاملاً هماهنگ برای نظام مالی موجود را برای بریکس دشوار می‌کند. با این حال، کنار گذاشتن کامل این بلوک نیز اشتباه خواهد بود. بریکس برای تقویت شکل سیاست‌های جهانی نیازی به سرنگونی دلار ندارد. حتی کاهش تدریجی وابستگی به دلار می‌تواند پیامدهای بلندمدتی داشته باشد. در حال حاضر، کشورهای بیشتری با ارزهای ملی تجارت، نظام‌های پرداخت جایگزین ایجاد و ذخایر خود را از طریق خرید اوراق تأثیرگذار است. سرمایه‌گذاران سراسر جهان همچنان بین‌المللی احتمالاً به سمت یک انقلاب ناکهانی پیش نرود، اما به وضوح در حال تکامل است. آینده محتمل‌تر این است که در آن دلار همچنان غالب باشد، اما سایر ارزها نقش‌های منطقه‌ای قوی‌تری به دست می‌آورند. به جای یک مرکز مالی بلازمان، جهان می‌تواند به سمت یک ساختار چندمرکزی با چند قطبی حرکت کند. چنین نظامی لزوماً نفوذ آمریکا را از بین نمی‌برد، اما می‌تواند توانایی واشنگتن در استفاده از اهرم مالی کاهش دهد.

محدودیت‌های پروازی، در ارتباط با مشتریان و شرکای خارجی دچار مشکل شده‌اند. در همین حال، ۳۱ درصد از شرکت‌ها به طور جدی به انتقال فعالیت‌های خود به خارج از اسرائیل فکری می‌کنند.

جنگ و ناامنی باعث شده برای اولین بار در ۱۰ سال اخیر، شمار محققان و توسعه‌دهندگان فناوری در اسرائیل کاهش یابد. بر اساس گزارش سازمان نوآوری اسرائیل، تعداد کارکنان تحقیق و توسعه حدود ۳۵۰۰ نفر کاهش یافته و سهم این کارکنان از کل نیروی کار بخش فناوری از ۵۱ درصد به ۴۹ درصد رسیده است. در حال حاضر فقط ۶۲ درصد از کارمندان شرکت‌های فناوری خصوصی اسرائیل در داخل این رژیم مشغول به کارند و بقیه عمدتاً در آمریکا مستقر هستند. همچنین تعداد مدیران ارشد مستقر در اسرائیل حدود ۹.۶ درصد کاهش یافته و هم‌زمان تعداد آنها در آمریکا افزایش یافته است.

طبق گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های اسرائیلی، ۲۳ درصد از مهاجران دارای دکترای موسسه وایمن، ۱۸.۲ درصد از موسسه مهندسی کاربردی تکنیون و ۱۵ درصد از دانشگاه تل‌آویو هستند. در میان مهاجران، ۲۵.۴ درصد دکترای ریاضیات، ۲۱.۷ درصد دکترای علوم کامپیوتر و ۱۹.۴ درصد دکترای ژنتیک دارند. این آمار نشان می‌دهد نخبگان علمی و فناوری اسرائیل در حال خروج از این کشور هستند و این زنگ خطر جدی برای آینده بخش فناوری این رژیم محسوب می‌شود.

شرکت‌های فناوری اسرائیل در شرایطی با موج اخراج و فرار مغزها دست و پنجه نرم می‌کنند که ارزش شیکل نیز مزید بر علت شده است. حقوق مهندسان اسرائیلی به دلایلی آمریکایی تبدیل می‌شود و هزینه نیروی کار را به یکی از گران‌ترین‌های جهان تبدیل کرده است. بیشتر شرکت‌های فناوری درآمد خود را به دلار دریافت می‌کنند اما حقوق کارمندان را به شیکل می‌دهند و این اختلاف ساختاری حاشیه سود آنها را تحت فشار قرار داده است.

دروبین، مدیرعامل سازمان نوآوری اسرائیل هشدار داده است: «بخش فناوری اسرائیل امروز در یک چهارراه قرار دارد. از یک‌سو اسرائیل همچنان شرکت‌های انقلابی تولید می‌کند و سرمایه جذب می‌کند و از سوی دیگر، بخشی از فعالیت‌ها، کارمندان و سرمایه در حال خروج از اسرائیل است. اگر این روند ادامه پیدا کند، مزیت رقابتی که اسرائیل را به استارت‌آپ‌نیشن تبدیل کرده بود، به تدریج فرسایشی می‌یابد.»

آوی ایال، شریک مدیریتی صندوق اتره کپیتال نیژمی گوید: «ما در حال ورود به مرحله‌های هشتم که بازار مطابق میل ما عمل نمی‌کند. تغییر مسیر بسیار بسیار سخت است. موج اخراج‌ها آغاز شده و این نیروهای اقتصادی هستند که آن را هدایت می‌کنند.» بخش فناوری اسرائیل امروز درگیر یک «طوفان کامل» است. از یک‌سو انقلاب هوش مصنوعی مدل‌های کسب‌وکار را منسوخ کرده و شرکت‌ها را مجبور به اخراج گسترده کارمندان کرده و از سوی دیگر، جنگ ۴۰ روزه با ایران سرمایه‌گذاران را فراری داده، زنجیره تأمین را مختل کرده و متخصصان سطح بالا را مجبور به ترک کشور کرده است. برای اولین بار در یک دهه، شمار محققان و توسعه‌دهندگان در اسرائیل کاهش یافته و شرکت‌های فناوری به دنبال انتقال فعالیت‌های خود به خارج از کشور هستند. دولت اسرائیل توان واکتش مؤثری به این بحران نشان نداده و کارمندان عادی هزینه سنگین این تحولات را پرداخت می‌کند.

قبض جنگ طلبی ترامپ روی میز بانک مرکزی اروپا

افزایش قیمت انرژی در جیب جنگ علیه ایران، بار دیگر تورم را در منطقه یورو به مسیر صعودی بازگرداند؛ به طوری که نرخ تورم سالانه این منطقه در ماه مه ۳.۲ درصد رسید.

داده‌های جدید اقتصادی نشان می‌دهد منطقه یورور بار دیگر با موجی از فشارهای تورمی ناشی از افزایش قیمت انرژی روبه‌رو شده که احتمال افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی اروپا را به بالاترین سطح در ماه‌های اخیر رسانده است. براساس آمار رسمی منتشرشده در روز سه‌شنبه، نرخ تورم نرخ سالانه منطقه یورور در ماه مه ۲۰۲۶ به ۳.۲ درصد رسید که نسبت به نرخ ۳ درصدی ثبت‌شده در ماه آوریل افزایش یافته و فاصله قابل توجهی با هدف ۲ درصدی بانک مرکزی اروپا دارد. این در حالی است که پیش از آغاز تنش‌های نظامی میان ایران و آمریکا، نرخ تورم منطقه یورور به زیر ۲ درصد کاهش یافته بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد بخش انرژی همچنان مهم‌ترین عامل افزایش قیمت‌های اقتصاد اروپا محسوب می‌شود. قیمت انرژی در ماه مه نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۱۰.۹ درصد افزایش یافته که اندکی بیشتر از رشد ۱۰.۸ درصدی ماه آوریل است. هم‌زمان تورم بخش خدمات نیز از ۳ درصد به ۳.۵ درصد افزایش یافته اما تورم مواد غذایی، نوشیدنی‌ها و خانبات از ۲.۴ درصد به ۲ درصد کاهش پیدا کرده است.

روند تغییرات تورم در میان اقتصادهای بزرگ اروپایی نیز قابل توجه است. در آلمان، بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه یورو، نرخ تورم از ۲.۹ درصد در آوریل به ۲.۷ درصد در ماه مه کاهش یافته اما در فرانسه از ۲.۵ به ۲.۸ درصد افزایش یافته و در کشورهایی مانند یونان و ایتالیای از ۵.۷ درصد عبور کرده است. افزایش تورم در شرایطی رخ می‌دهد که اقتصاد اروپا همچنان با رشد ضعیف اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با این حال، بازارهای مالی تقریباً مطمئن هستند که بانک مرکزی اروپا برای جلوگیری از تثبیت فشارهای تورمی، نرخ بهره را در نشست آینده خود افزایش خواهد داد. این در حالی است که داده‌های موسسه I.S.E.I این نشان می‌دهد که معامله‌گران احتمال افزایش نرخ ۲۵ واحد درصدی نرخ بهره در اواخر ماه جاری را در نظر گرفته‌اند. همچنین کارشنان ژرمنی، رئیس بخش اقتصاد کلان جهانی موسسه ING معتقد است افزایش تورم ماه مه ۲۰۲۶ زمینه‌ساز افزایش نرخ بهره را فراهم کرده است. به گفته وی، شوک انرژی ناشی از جنگ علیه ایران به عاملی نسبتاً پایدار در اقتصاد اروپا تبدیل شده و هرچند افزایش تورم احتمالاً تدریجی خواهد بود اما اثرات آن به مرور به بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل، خدمات و مواد غذایی نیز سرازیر خواهد کرد.

تورم و مقاومت مصرف‌کننده

با وجود رشد تورم، بررسی گزارش‌های مالی شرکت‌های بزرگ اروپایی نشان می‌دهد شرایط اقتصادی ضعیف منطقه یورو مانع از آن شده است که بنگاه‌ها بتوانند همانند بحران انرژی سال ۲۰۲۲ افزایش هزینه‌های خود را به راحتی به مصرف‌کنندگان منتقل کنند. از ۱۷۵ نشست اعلام سود شرکت‌های بورسی منطقه یورو فقط ۵۶ شرکت اعلام کرده‌اند که قیمت محصولات یا خدمات خود را افزایش داده‌اند یا قصد دارند در ماه‌های آینده این اقدام را انجام دهند.



اقتصاد در خط مقدم جنگ؛

کسری بودجه پاشنه آشیل تاب‌آوری

✚ در میانه فشارهای جنگی، کسری بودجه ویی انضباطی مالی به پاشنه آشیل اقتصاد بدل شده است.

در شرایط جنگی اهمیت تاب‌آوری اقتصاد، از میدان نبرد بیشتر نباشد. کمتر هم نیست. تردیدی نیست که کشور برای دفاع در برابر مهاجم باید پشتش به اقتصادی که تاب‌آوری دارد، گرم باشد. تجربه دهه‌ها تحریم و جنگ‌های اقتصادی نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین عوامل تاب‌آوری اقتصادی یک کشور به انضباط مالی دولت و حاکمیت‌گره خورده است. کسری بودجه همواره در سال‌ها و دولت‌های پیشین وجود داشته است. این کهنه زخم اقتصاد ایران که عمدتاً از بازی‌های اقتصاد سیاسی نشأت گرفته‌است، تبعاتی مانند فشار به شبکه بانکی و تورم، سلطه مالی و… به همراه داشته است. در سال‌های گذشته کارشناسان همواره از اصلاح ساختار بودجه و انضباط مالی سخن گفته‌اند، با توجه به شرایط کنونی کشور، اهمیت پرداختن به این مسئله وجودندان شده است. در وضعیت کنونی هررالی که صرف هزینه‌های اضافی شود، به معنی یک ریال کمتر برای مقابله با شرایط جنگی و حمایت از آسیب‌دیدگان و معیشت مردم است. در این شرایط حذف هزینه‌های غیرضروری نه یک توصیه بر مبنای اصول توسعه، بلکه یک الزام راهبردی برای حفظ حیات اقتصاد است. انضباط مالی دولت رآمدیریت و حذف هزینه‌های غیرضروری، کلید مدیریت شوک اقتصادی حاصل از جنگ و افزایش تاب‌آوری است.

کسری بودجه؛ زخم کهنه در اقتصاد ایران

به بیان خیلی ساده کسری بودجه یعنی هزینه‌های دولت بیشتر از درآمد هایش است. ریشه اصلی کسری بودجه نهفته در اقتصاد سیاسی آن است. بودجه کشور صحنه چانه‌زنی گروه‌های ذی نفع و صاحب نفوذ است. صنایع پاره‌بانگ بکسر انرژی، بنگاه‌های دولتی ناکارآمد، نهادهای غیرضروری و… که سعی می‌کنند سهم خود را با لابی‌گری افزایش دهند. در نتیجه بودجه هر سال بزرگ‌تر از سال قبل می‌شود که با درآمدهای واقعی و اولویت‌های ملی همخوانی ندارد. اصلاحات بودجه‌ای در عمل قربانی منافع گروهی شده و هر سال کسری ساختاری باز تولید می‌شود.

سهل الوصول‌ترین راه برای جبران کسری بودجه، استقرار از بانک مرکزی و شبکه بانکی است. براساس قانون استقراض مستقیم دولت از بانک مرکزی به غیر از یک حالت (۳ درصد بودجه عمومی تحت عنوان نتخواه‌گردان خزانه)، ممنوع است. عموماً دولت‌ها در ایران این بار مالی را بر دوش شبکه بانکی می‌گذارند، نهایتاً این فشار تحت عنوان اضافه برداشت از شبکه بانکی به بانک مرکزی منتقل می‌شود. این فرآیند نتیجه‌ای جز خلق پول و تورم ندارد، این تورم نوعی مالیات پنهان محسوب می‌شود که سفره مردم را کوچک می‌کند.

دست‌خالی سیاست‌گذار پولی

وقتی دولت برای جبران کسری بودجه خود به بانک مرکزی و شبکه بانکی فشار می‌آورد، عملاً سلطه مالی برقرار می‌شود؛ به این معنی که خواست دولت و سیاست‌گذار مالی بر خواست سیاست‌گذار پولی غلبه می‌کند. در این شرایط، ابزارهای پولی مانند نرخ بهره یا عملیات بازار باز کارایی خود را از دست می‌دهند، زیرا بانک مرکزی در نهایت ناچار است نقدینگی مورد نیاز دولت را تأمین کند. نتیجه آن است که دست سیاست‌گذار پولی برای مهار تورم خالی می‌ماند. راه برون‌رفت از این بن بست، انضباط مالی دولت و حذف هزینه‌های غیرضروری است تا سلطه مالی شکسته شود و سیاست‌پولی دوباره توان مقابله با تورم را یابد کند.

کاردی که به استخوان رسیده است

کسری بودجه در شرایط عادی نیز چالش برانگیز است، اما در شرایط جنگ که درآمدهای نفتی و مالیاتی کاهش یافته و هزینه‌های دفاعی و امنیتی افزایش می‌یابد، به یک بحران شدید تبدیل می‌شود. مشکل زمانی جدی‌تر می‌شود که ساختارها کنت با به اصلاح الگوی هزینه‌ها و حذف هزینه‌های غیرضروری نمی‌زنند. پروژه‌های تشریفاتی، حقوق‌های مازاد بر نیاز، یارانه‌ها پنهان انرژی برای صنایع غیرمولد و هزینه‌های جاری بی‌ربط به اولویت‌های جنگی، بودجه نهادهای غیرمولد و… همگی عواملی هستند که کسری بودجه را بدین هیج دستاوردی بزرگ‌تر می‌کنند. در این شرایط تبعات کسری بودجه هرچه بیشتر از پی‌خطراتک می‌شود.

تعلل برای تغییر «دست‌فرمان» دیگر جایز نیست

در شرایط جنگ و یساجنگ، منابع کشور محدود و شوک‌های اقتصادی ناگهانی و متعدد است. انضباط مالی دولت یعنی این منابع محدود را فقط صرف اولویت‌های واقعی کند. تاب‌آوری اقتصادی در جنگ به معنای توانایی حفظ ارکان اصلی تولید و معیشت در برابر چالش‌ها و بحران‌ها است. این تاب‌آوری بدون انضباط مالی غیرممکن خواهد بود. هررالی که صرف هزینه‌های اضافی شود، به معنی یک ریال کم‌تر برای مقابله با شرایط جنگی و حمایت از آسیب‌دیدگان است. در شوک جنگی، ناترازی بودجه می‌تواند از طریق استقرار از شبکه بانکی و خلق بی‌رویه پول و اعتبار، به تورم بالا، جهش نرخ ارز و کاهش قدرت خرید مردم منجر شود. شرایط جنگی به خودی خود منابع درآمدی بودجه را در تنگنا قرار داده است، بنابراین باید تا حد امکان از تشدید کسری بودجه جلوگیری شود. در این شرایط حذف هزینه‌های غیرضروری نه یک توصیه بر مبنای اصول توسعه، بلکه یک الزام راهبردی برای حفظ حیات اقتصاد در برابر ضربات دشمن است.

در شرایط جنگ، دولت باید هر ریل هزینه را با سه شاخص دقیق بسنجد

نخست؛ «نسبت هزینه به فایده در بحران»، به این معنی که هررالی که خرج می‌شود، چه اندازه مستقیماً به کاهش آسیب‌های جنگ، حفظ امنیت، یا معیشت مردم کمک می‌کند. دوم؛ «آسیب‌پذیری اجتماعی در صورت حذف» یعنی قطع این هزینه چه تعداد از اقشار ضعیف را تهدید می‌کند؟ برای مثال هزینه‌های دارو و حداقل معیشت باید حفظ شود، اما یارانه بنگاه‌های رانتی و بودجه نهادهای غیرضروری بایستی اصلاح شود.

سوم؛ «توان بخش خصوصی برای جایگزینی» به‌دین معنی که آیا می‌توان این خدمت را به نگاه‌های خصوصی واگذار کرد؟ اگر ربله دولت خارج شود و منابع را به جای تأمین مستقیم، به تسهیل کسب‌وکار اختصاص دهد.

بر اساس این سه شاخص، هزینه‌های غیرضروری مانند پروژه‌های تشریفاتی، یارانه‌های پنهان انرژی برای صنایع غیرمولد، بودجه نهادهای غیرضروری و… حذف می‌شوند. در مقابل ذخیره کالاها اساسی، حمایت از دهک‌های آسیب‌پذیر و تولید داخلی حفظ و تقویت می‌گردند. این سه مؤلفه تنها شاخص‌های ارزیابی نیستند و می‌توان موارد دیگری را نیز به این لیست اضافه کرد. اولویت‌بندی با شاخص‌های دقیق، یک عملیات هوشمندانه برای افزایش حداکثری تاب‌آوری با حداقل منابع است.

■ **شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۵** ■ **۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۷** ■ **June ۶ ۲۰۲۶** ■ **سال دوم** ■ **شماره ۴۷۶**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹** ■ **کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳** ■ **آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

Charsoogh newspaper.com

پیش‌بینی شده که گندم بر اساس کیفیت خریداری شود اما در عمل هیچ‌یک از مراکز خرید کشور به تجهیزات لازم برای سنجش کیفیت مجهز نیستند، در بیش از هزار و ۱۱۰ مرکز خرید گندم حتی یک مرکز نیز وجود ندارد که بتواند به صورت فوری شاخص‌هایی مانند میزان پروتئین، گلوتن و سایر معیارهای کیفی را اندازه‌گیری کند. بنابراین اجرای این قانون در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست. رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران تصریح کرد: نمی‌توان از کشاورز خواست محصول خود را تحویل دهد و چند روز منتظر پاسخ آزمایشگاه بماند. تا زمانی که زیرساخت‌های لازم فراهم نشده، خرید گندم عملاً با نرخ مصوب ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان انجام می‌شود و دامنه قیمتی تعیین‌شده صرفاً جنبه قانونی دارد و قابلیت اجرایی ندارد.

همه دستگه‌ها در تأخیر پرداخت‌ها مسئول هستند

هاشمی با اشاره به افزایش تورم و رشد هزینه‌های تولید گفت: در شرایط کنونی، قیمت مصوب فعلی نایزمند بازنگری است اما اکنون مشکل اصلی این است که کشاورزان هنوز مطالبات خود را بر مبنای همین نرخ نیز دریافت نکرده‌اند. وی درباره مسئولیت تأخیر در پرداخت مطالبات اظهار کرد: سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وزارتخانه‌های مسئول و حتی نهادهای نظارتی در این موضوع مسئولیت دارند. وقتی قانونی تصویب می‌شود، باید به‌طور کامل اجرا شود و اگر اجرا نمی‌شود، دستگه‌های نظارتی باید علت را مشخص کرده و با متخلفان برخورد کنند.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران افزود: مجلس، سازمان بازرسی کل کشور، نهادهای نظارتی و مسئولان اجرایی کشور باید پیگیر باشند که چرا قانون پرداخت مطالبات گندم‌کاران اجرا نمی‌شود. گندم یک محصول استراتژیک و مرتبط با امنیت غذایی کشور است و نباید اجازه داد این وضعیت ادامه پیدا کند.

پرداخت به موقع مطالبات، نیازی به واردات گندم نداریم

هاشمی درباره چشم‌انداز واردات گندم در سال جاری گفت: اگر روند پرداخت‌ها اصلاح شود و مطالبات کشاورزان حداکثر ظرف یک هفته پس از تحویل محصول پرداخت شود، هیچ نیازی به واردات گندم نخواهیم داشت. وی بیان کرد: با تولید حدود ۱۴ میلیون تن گندم و امکان خرید ۱۱ تا ۱۲ میلیون تن از کشاورزان، کشور به‌طور کامل قادر به تأمین نیاز داخلی خواهد بود. هنوز هم دیر نشده و بخشی از محصول نزد کشاورزان باقی مانده است. اگر پرداخت‌ها به سرعت انجام شود، می‌توانیم بدون نیاز به حتی یک کیلوگرم واردات، نیاز کشور را تأمین کنیم.



هشدار خروج گندم از کشور توسط دلالان

گزارش

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران با بیان اینکه تاکنون فقط ۲۰ درصد مطالبات کشاورزانی که از ابتدای فصل خرید تا ۱۵ اردیبهشت گندم خود را تحویل داده‌اند، پرداخت شده و پس از آن نیز عملاً پرداختی انجام نشده و این موضوع نگرانی جدی برای ادامه روند خرید ایجاد کرده است. هاشمی با اشاره به آثار تأخیر در پرداخت‌ها تصریح کرد: با وجود وضعیت مطلوب مزارع و پیش‌بینی تولید مناسب، گندی پرداخت مطالبات باعث شده بخشی از گندم به سمت دلالان، واسطه‌ها و حتی برخی کارخانجات دام و طیور سوق پیدا کند و از چرخه تأمین گندم مورد نیاز کشور خارج شود.

احتمال خروج گندم از چرخه تأمین کشور وجود دارد

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

وی افزود: ارزش این میزان خرید حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان است اما تاکنون فقط ۲۰ درصد مطالبات کشاورزانی که از ابتدای فصل خرید تا ۱۵ اردیبهشت گندم خود را تحویل داده‌اند، پرداخت شده است. پس از آن نیز عملاً پرداختی انجام نشده و این موضوع نگرانی جدی برای ادامه روند خرید ایجاد کرده است.

هاشمی با اشاره به آثار تأخیر در پرداخت‌ها تصریح کرد: با وجود وضعیت مطلوب مزارع و پیش‌بینی تولید مناسب، گندی پرداخت مطالبات باعث شده بخشی از گندم به سمت دلالان، واسطه‌ها و حتی برخی کارخانجات دام و طیور سوق پیدا کند و از چرخه تأمین گندم مورد نیاز کشور خارج شود.
رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

وی افزود: ارزش این میزان خرید حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان است اما تاکنون فقط ۲۰ درصد مطالبات کشاورزانی که از ابتدای فصل خرید تا ۱۵ اردیبهشت گندم خود را تحویل داده‌اند، پرداخت شده است. پس از آن نیز عملاً پرداختی انجام نشده و این موضوع نگرانی جدی برای ادامه روند خرید ایجاد کرده است.

هاشمی با اشاره به آثار تأخیر در پرداخت‌ها تصریح کرد: با وجود وضعیت مطلوب مزارع و پیش‌بینی تولید مناسب، گندی پرداخت مطالبات باعث شده بخشی از گندم به سمت دلالان، واسطه‌ها و حتی برخی کارخانجات دام و طیور سوق پیدا کند و از چرخه تأمین گندم مورد نیاز کشور خارج شود.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران درباره برخی گزارش‌ها مبنی بر خرید گندم توسط دلالان خارجی نظیر کشور عراق گفت: درباره خبر خرید گندم توسط دلال‌های عراقی نمی‌توانم آن را تأیید کنم اما آن را نیز از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

روزانه ۱۳ میلیون بشکه از بازارهای جهانی حذف می‌شود



آژانس، این ذخایر در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶ به‌طور متوسط ۸.۵ میلیون بشکه در روز کاهش می‌یابد و بیشترین برداشت در ماه‌های مه و ژوئن رخ می‌دهد تا قیمت نفت حدود ۱۰۰ دلار در هر بشکه باقی بماند. این امر نشان می‌دهد که جهان برای حفظ قیمت‌های کنونی خود کرده است. جدی‌ترین مشکل در این روند این است که هرچه این ذخایر کمتر شوند، بازارها کمتر قادر به جذب شوک‌های بیشتر خواهند بود.

نزدیکی به «حداقل سطوح عملیاتی»

بر اساس تخمین جی‌پی مورگان، اگر کاهش ذخایر جهانی با نرخ کنونی و بدون بازگشایی تنگه هرمز ادامه یابد، بازارها در هر مرحله یک‌سپتامبر به «حداقل سطوح عملیاتی» برسند. این شاخص حداقل مقدار نفت مورد نیاز برای اجرای کارآمد خطوط لوله، پالایشگاه‌ها و سایر زیرساخت‌های نفتی است. در آن مرحله، مشکل دیگر صرفاً قیمت‌ها نخواهد بود، بلکه به توانایی سیستم انرژی برای ادامه عملکرد عادی مربوط می‌شود.

با توجه به داده‌های گفته‌شده، کلید حل این مشکل جهانی در دست ایران و بازگشایی تنگه هرمز مشروط به پذیرش درخواست‌های ایران در میز مذاکرات با ایالات متحده است؛ به طوری که یکی از مهم‌ترین موارد در رایزنی‌های اخیر تهران و واشنگتن موضوع تنگه هرمز بوده و پیام‌های اخیر آمریکا نیز حاوی تضمین‌های مستقیمی به بازارهای بین‌المللی در مورد ادامه گشودن آبراه و تضمین آزادی ناپوری دریایی است.

آغاز رکود اقتصادی

با این شرایط، وقتی بازارها نتوانند عرضه را افزایش دهند، کاهش تقاضا تنها راه‌حل باقی مانده می‌شود و نشانه‌های این امر نیز پدیدار شده است. چندین شرکت هواپیمایی در نتیجه سهمیه‌بندی سوخت جت، پروازهای خود را کاهش داده‌اند و هزینه‌های حمل‌ونقل و سفر در سطح جهانی افزایش یافته، به طوری که آسیب‌پذیرترین کشورها با مشکلات بیشتری در واردات فرآورده‌های نفتی مواجه شده‌اند.

آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی می‌کند تقاضای جهانی در سال ۲۰۲۶ حدود ۴۲۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد و سه‌ماهه دوم بزرگترین کاهش سالانه مصرف را در سال‌های اخیر ثبت کند. برخی از آسیب‌پذیرترین کشورها مانند اقتصادهای واردکننده انرژی در آسیا و آفریقا هستند که فاقد تولید داخلی کافی با ظرفیت بالایش برای کاهش تأثیر بحران هستند. با توجه به اینکه کشورهای خاورمیانه ۳۰ درصد از تولید نفت

تبدیل نیازهای زیرساختی ایران به مزیت چانه‌زنی با چین

بازسازی زیرساختی ایران می‌تواند از یک نیاز ضروری اقتصادی به بستری برای نسل جدید همکاری راهبردی با چین تبدیل شود؛ مشروط بر آن که به جای پروژه‌های پراکنده، در قالب بسته‌های به‌هم‌پیوسته در حوزه ریل، انرژی، شهرسازی و مناطق صنعتی تعریف شود؛ موفقیت همکاری به طراحی مدل‌های قراردادی نوین، استفاده از سازوکارهای تأمین مالی امن و همچنین ایجاد یک نهاد هماهنگ‌کننده داخلی برای پیشبرد پروژه‌ها وابسته است.

در یک دهه گذشته، نرخ استهلاک سرمایه در ایران از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص پیشی گرفته است. به‌زبان ساده‌تر، مادر حال مصرف کردن زیرساخت‌هایمان هستیم بدون آنکه جایگزین بهتری برای آن‌ها بسازیم. فرسودگی ناگهان ریلی، ناترازی در شبکه برق و گاز و پیر شدن نیروی متخصص در صنایع مادر، دیگر صرفاً یک مشکل فنی نیستند، بلکه به یک ترمز جدی برای ماشین اقتصاد تبدیل شده‌اند. نباید به این «نیاز زیرساختی» صرفاً به چشم یک بحران لینچل نگاه کرد. اگر قواعد بازی اقتصاد بین‌الملل را بشناسیم، این نیاز مبرم به یک بازسازی سراسری، می‌تواند بوم نقاشی فوق‌العاده‌ای برای بازطراحی جایگاه ژئواکونومیک ایران باشد؛ به‌ویژه وقتی بازی بازنگری مثل چین در میان باشد که برای تثبیت طرح «کمربند-راه» به معنی دنبال‌گره‌های لجستیکی و تولیدی جدید می‌گردد. برای تحقق این هدف، ما نیازمند یک تغییر پارادایم جدی در مدل حکمرانی اقتصادی خود هستیم که در ادامه مختصات آن رامی‌شکافم.

عبور از تله پروژه‌های پراکنده به ایده توسعه‌گردوری

اشتباه استراتژیک ما در دهه‌های گذشته این بوده که همیشه با فهرستی از پروژه‌های جزیره‌ای و پراکنده به‌سراع شرکای خارجی رفته‌ایم. ساختن یک سد در یک استان یا یک قطعه آژادراه در استانی دیگر، برای برنامه‌ریزان چینی (مختصاً در نهادهایی مثل کمسیون توسعه و اصلاحات ملی چین) هیچ جذابیتی راهبردی ندارد. ما باید سید بازسازی کشور را در قالب یک «بست بوم بهره‌مند» به روی میز بگذاریم. این زیست بوم شامل سه لایه به‌هم‌پیوسته است: لایه اول، ترانزیت و لجستیک است؛ یعنی به جای درخواست‌های پراکنده پیمانکاری، روی تکمیل و برقی‌سازی خطوط پرتردد ریلی تمرکز کنیم تا زمان ترانزیت بار چین به اروپا و غرب آسیا صرف شود. لایه دوم، گره‌زدن این خطوط به بازسازی معماری انرژی کشور است؛ حل ناترازی با مگاپروژه‌های تجدیدپذیر (مثل مزارع خورشیدی گیگاواتی در مرکز و شرق ایران) و نوسازی شبکه‌های انتقال فرسوده. این دو لایه در نهایت باید به لایه سوم، یعنی مناطق صنعتی پردازش صادرات در پسرکرانه بنادر ما ختم شوند تا مواد اولیه ایرانی‌ها فناوری چینی ترکیب‌شده با ارزش افزوده‌مصادر شود. این همان چیزی است که به آن توسعه‌گردوری می‌گویند.

مهندسی فرآورد‌ها؛ جای‌جایی ریسک از ایران به چین

پاشنه آشیل تمام این طرح‌های کلان، مدل قرارداد‌های ماست. اگر بخواهیم با مدل‌های کلاسیک EPC (طراحی، تأمین و ساخت) جلو برویم، قطعاً شکست می‌خوریم؛ چون در این مدل، تمام ریسک بهره‌برداری و تأمین مالی روی دوش دولت ایران می‌افتد. ما باید بازی را به سمت مدل‌های BOT (ساخت، بهره‌برداری، انتقال) و BOO (ساخت، مالکیت، بهره‌برداری) تغییر دهیم. تصور کنید یک کنسرسیوم چینی-ایرانی، اپراتور یک خط ریلی ترانزیتی یا یک ترمینال بندری در چابهار باشد. وقتی شرکت چینی خودی‌نفع درآمد‌های بهره‌برداری باشد، انگیزه ذاتی پیدامی‌کند که با شبکه جهانی‌اش را به آن مسیر هدایت کند تا پروژه‌اش سودده بماند.